

فارابی، موسیقی و مغز

پیوند فلسفه کهن و علوم اعصاب مدرن | زیماد (ZIMAD)



تقارب هارمونیک: فارابی و علوم اعصاب

مسئله



مسئله: نیاز به درک مکانیزم‌های شناختی و عاطفی موسیقی در درمان.

پرسش



پرسش: آیا نظریات موسیقایی فارابی با علوم اعصاب مدرن همسو است؟

پاسخ



پاسخ: بله؛ مدل سه‌گانه او کاملاً با شبکه‌های پاداش، تخیل و تنظیم هیجان تطابق دارد.

۱. تحلیل تاریخی:

استخراج مدل‌های مفهومی از
«الموسیقی الکبیر» فارابی.



۲. تطبیق عصبی:

نگاشت مفاهیم فلسفی با
داده‌های تصویربرداری مغزی.



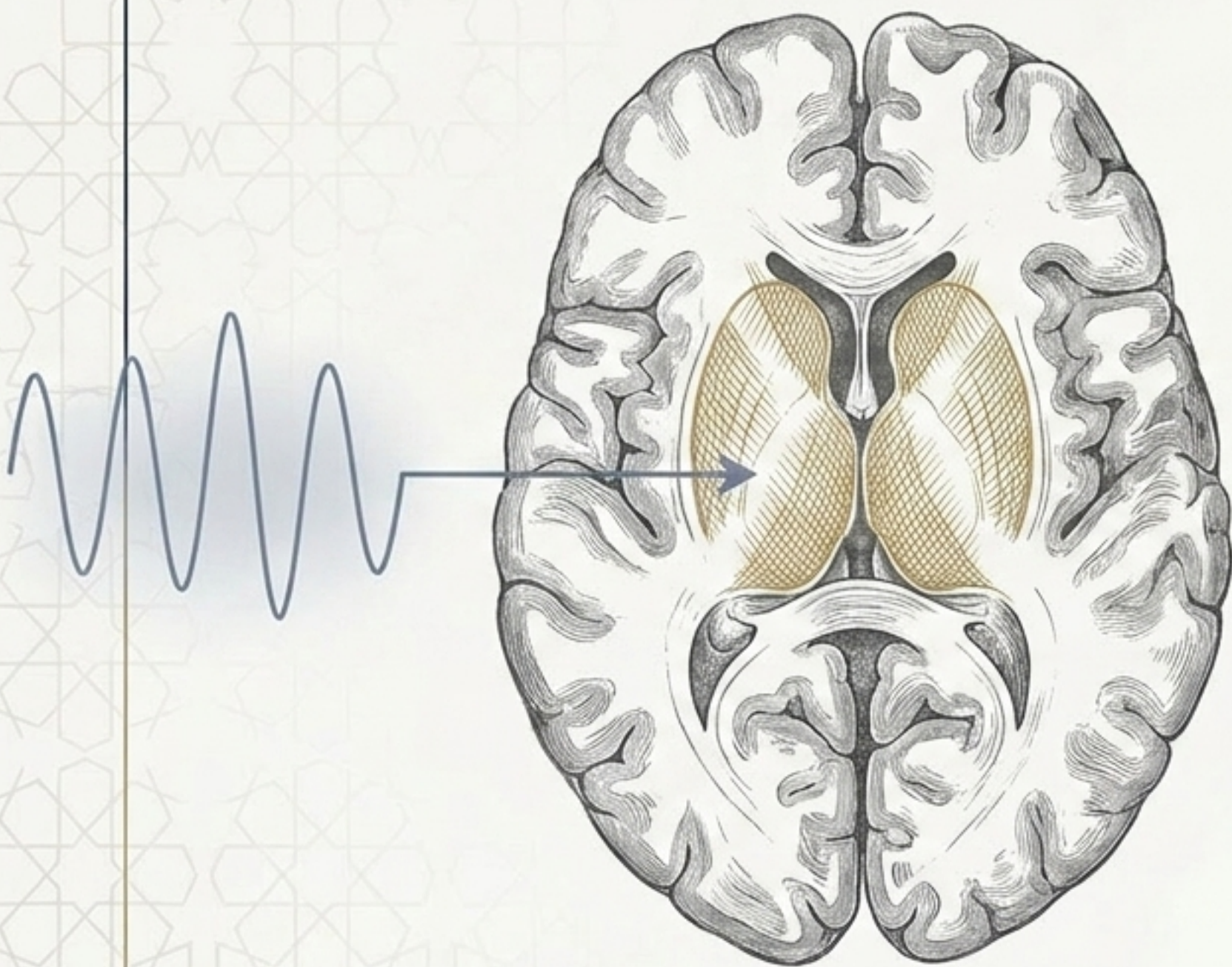
۳. کاربرد بالینی:

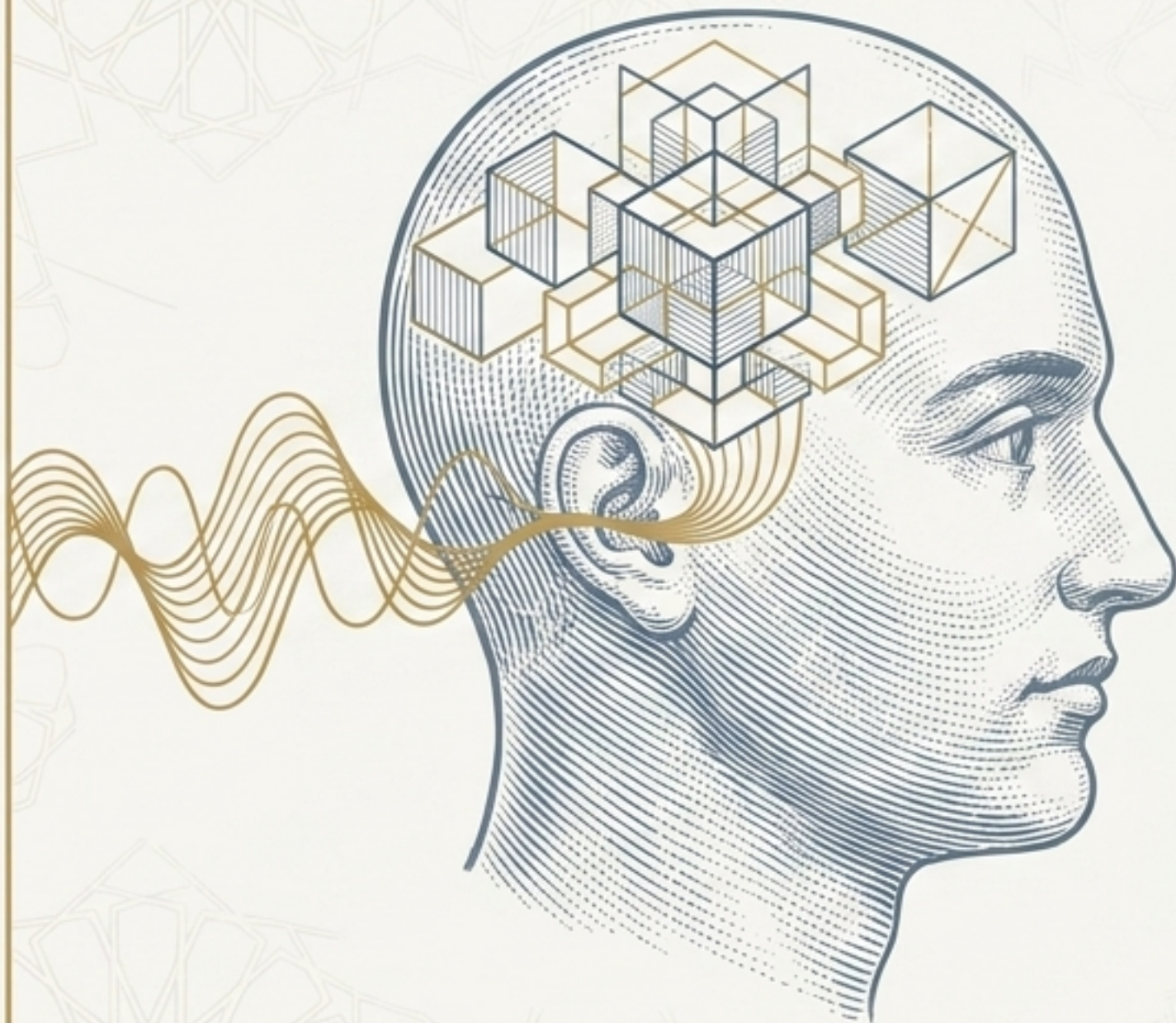
توسعه پروتکل‌های موسیقی
درمانی بومی و مبتنی بر شواهد.



موسیقی لذت بخش و مدار پاداش

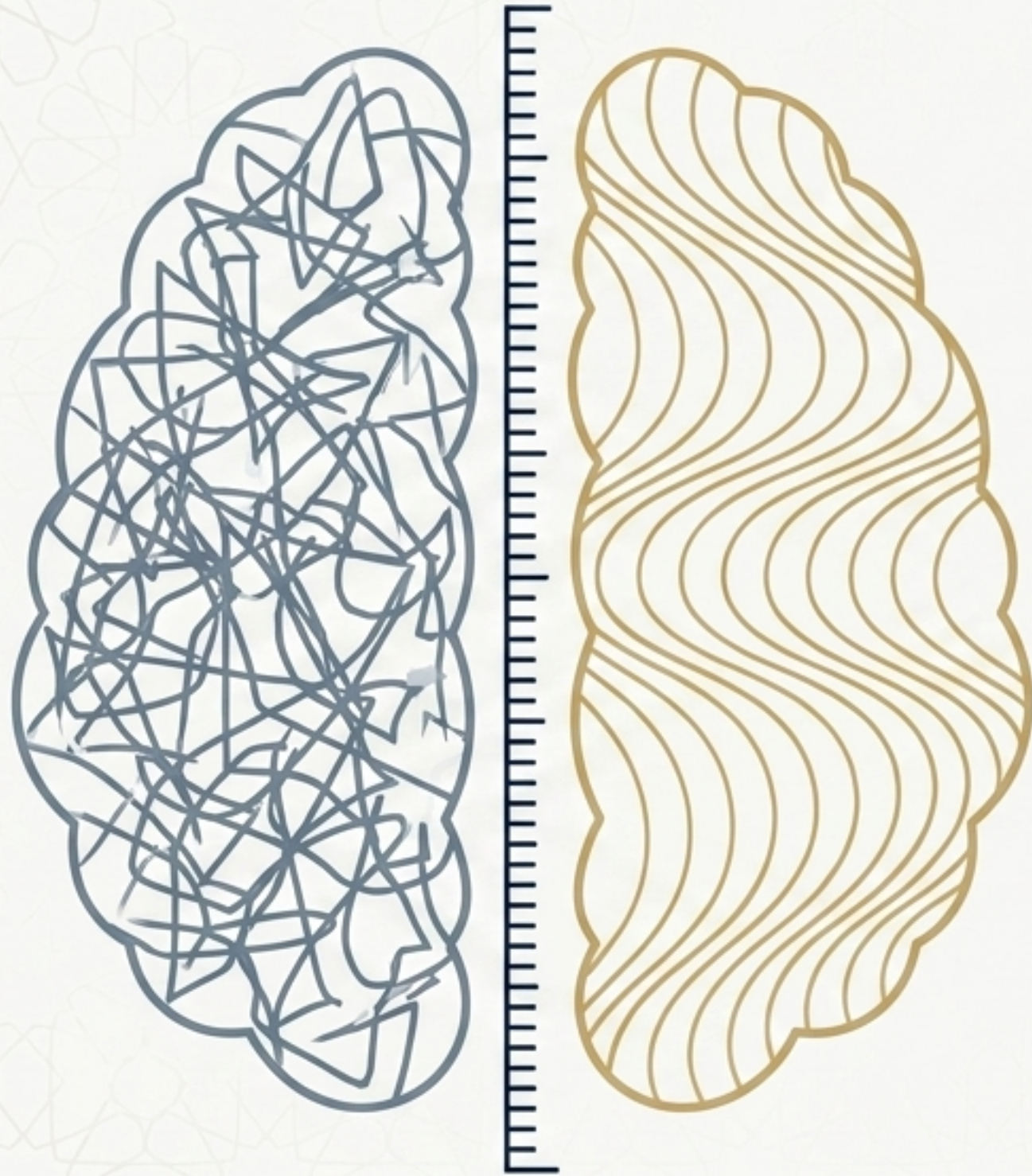
«الحان ملذه» در نظریه فارابی، با ترشح
دوپامین در استریاتوم و هسته اکومبنس
هنگام اوج لذت موسیقایی، تطابق دقیق
دارد.





الخان مخيله و تصوير سازي ذهني

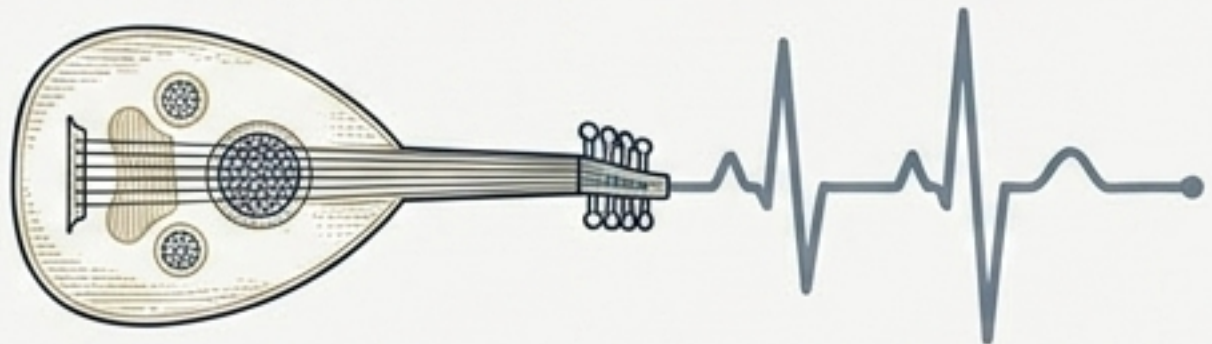
موسيقى تنها صوت نيست؛ بلکه با فعال سازي
شبکه شناختي، باز نمايي هاي دروني و تصاوير
ذهني ساختار يافته اي (تخييل) در انسان
مي سازد.



الْحَانِ انْفَعَالِي وَ تَنْظِيمِ هِيجَانِ

قابلیت موسیقی در تغییر حالات روانی (انفعال)، امروزه با اثبات درگیری آمیگدالا و اینسولا در پردازش هیجان کاملاً تایید کاملاً تایید شده است.

پیامدها و کاربردهای اجرایی



- ادغام مقامات شرقی در پروتکل‌های روان‌درمانی بالینی.



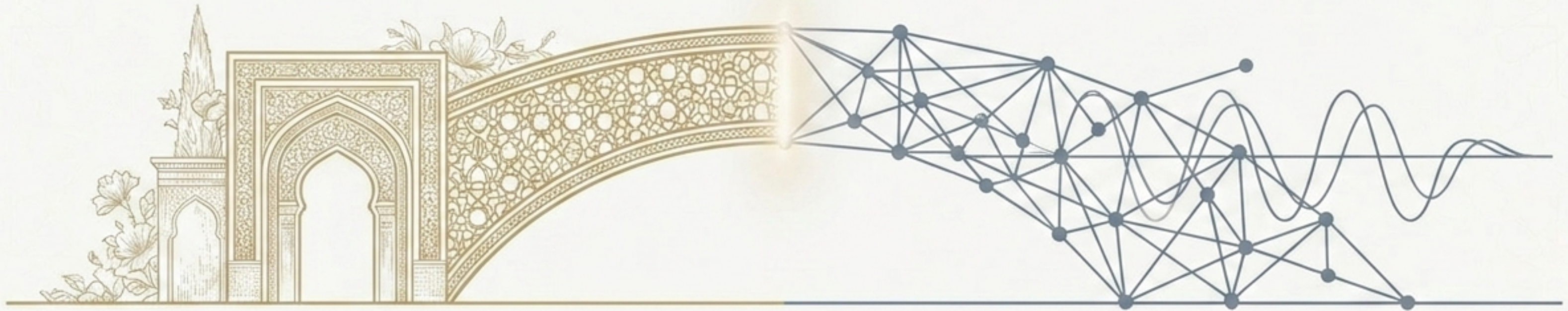
- طراحی اپلیکیشن‌های سلامت روان مبتنی بر هوش مصنوعی.



- شخصی‌سازی موسیقی‌درمانی برای مدیریت استرس و تروما.

نتیجه‌گیری

پیوند میراث فارابی و علوم اعصاب، پایه‌گذار رویکردی علمی در شناخت ذهن و موسیقی‌درمانی است.



اقدام: با سرمایه‌گذاری بر فناوری‌های موسیقی‌درمانی بومی، این دستاوردها را نهادینه کنیم.